

«مقاله پژوهشی»

نقش بلاغت و عناصر وجهی در تعیین خوانش معنایی مناسب آیات مرتبط با انفاق

راضیه شیرینی

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سلماس، ایران. rsh.khoy@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۰۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۵

The Role of Rhetoric and Facets in Determining the Appropriate Semantic Reading of Verses Related to Infāq

Razieh Shirini

Assistant Professor of Ulum Quran and Hadith, Islamic Azad University, Salmas Branch, Iran.

Abstract

"Almsgiving" is one of the valuable concepts of the Holy Quran which has been mentioned in several verses. The aim of this study was to investigate the role of rhetorical and rhetorical elements of verses related to charity in determining the appropriate reading of the meaning of these verses by analytical method. The research findings show that the style used in the verses related to charity is a persuasive style and God has used a mixed method of encouragement and warning in these verses. In these verses, by using clauses with epistemic aspect (news, matter, question, conditional) and obligatory aspect with positive polarity and high objective commitment, the use of emphatic facet elements in the form of a powerful speaker, the speaker's confidence in the content presented to the audience. it has been shown. Literary arrays (allegorical metaphor, metaphor, metaphor, metaphor and irony) also show the speaker's attitude, diligence and insistence in explaining the content to the audience, and by using them, the audience's reflection is more in order to convince the audience to accept the words. He has created himself in order to do charity with the conditions mentioned in the verses. The association of the elements of the face with the rhetoric in the verses related to almsgiving shows the high degree of God's determination in paying attention to the desired almsgiving and also his obligation to do so.

Keywords: Qur'an, charity, rhetoric, modal elements.

چکیده:

«انفاق» یکی از مفاهیم ارزشی قرآن کریم است که در آیات متعدد از آن سخن رفته است. این پژوهش بر آن است تا نقش عناصر وجهی و بلاغی آیات مرتبط با انفاق را در تعیین خوانش معنایی مناسب آیات مزبور بررسی نماید. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که سبک به کار رفته در آیات مرتبط با انفاق، سبک اقناعی بوده و خداوند در این آیات از شیوه بهم آمیخته تشویق و تحذیر استفاده کرده است. در این آیات، با به کار بردن بندهای با وجهیت معرفتی (اخباری، امری، سوالی، شرطی) و وجهیت تکلیفی با قطبیت مثبت و تعهد وجهیتی بالا و نیز استفاده از عناصر وجهی تأکیدی در قالب گوینده‌ای قدرتمند، اطمینان گوینده از مطالب ارائه شده به مخاطبان نشان داده شده است. آرایه‌های ادبی (تشبیه تمثیلی، استعاره، مجاز، ابجاز و کنایه) نیز در کنار وجهیت، اهتمام و اصرار گوینده در تفهیم مطالب به مخاطبان را نشان داده و با کاربست آنها زمینه تأمل بیشتر مخاطبان آیه، در راستای اقناع مخاطب در پذیرش سخنان خود در راستای انجام انفاق با شروط ذکر شده در آیات را ایجاد کرده است. همراهی عناصر وجهی با بلاغی در آیات مرتبط با انفاق، میزان بالای قاطعیت خداوند از توجه دادن مردم به انفاق مطلوب و نیز الزام وی به انجام آن را نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: قرآن، انفاق، بلاغت، عناصر وجهی.

۱. مقدمه

در هر متنی، برای درک معنای مورد نظر نویسنده، لازم است عناصر خاصی که موضع و جهت گیری نویسنده را نشان می‌دهد، مورد توجه قرار گیرد که از آن تعبیر به «وجهیت» می‌شود. «وجهیت» در نگاه زبان‌شناسان، عبارت از اطلاعات معنایی (لاینز، ۱۹۹۷: ۵۴۱، به نقل از حسومی)، جهت گیری ویژه نویسنده نسبت به آنچه می‌گوید (سیمپسون، ۱۹۹۳، ۴۷) و نیز پایبندی گوینده و نویسنده به ارزش یا درستی محتوای گزاره (Fowler, 2011 به نقل از احمدی و دیگران، ۱۴۰۰) است. به تعبیری واضحتر، وجهیت درجه امکان و یا ضرورت گزاره مطرح شده را نشان می‌دهد (عموزاده و رضایی، ۱۳۹۱: ۵۷)

«پالمر»، وجهیت را به دو قسمت وجهیت گزاره‌ای و رویدادی تقسیم کرده است. به بیان وی وجهیت گزاره‌ای، مقوله‌ای است که ناظر بر نگرش و قضاوت شخصی گوینده درباره محتوای یک گزاره بوده و شامل وجهیت‌های معرفتی و گواه‌نمایی و وجهیت رویدادی، وجهیت‌های تکلیفی و پویا است. وجهیت رویدادی ناظر بر دیدگاه گوینده در مورد کنش‌های بالقوه در آینده است. (پالمر، ۲۰۰۱).

وجهیت معرفتی، دربرگیرنده دیدگاه قضاوت و درجه تعهد گوینده نسبت به محتوای یک جمله بر اساس دانش، اطلاع و شواهد موجود است. وجهیت معرفتی، به سه دسته وجهیت حدسی، استقرایی و مفروض تقسیم می‌شود. وجهیت حدسی نشان می‌دهد که گزاره موجود صرفاً یک نتیجه گیری ممکن است که هیچ گونه قطعیتی برای به وقوع پیوستن آن در جهان خارج وجود ندارد. وجهیت استقرایی نشان می‌دهد که گزاره

تولید شده تنها نتیجه ممکن است. این نوع از وجهیت معرفتی بر پایه شواهد قابل مشاهده تولید می‌شود و میزان قطعیت بیشتری را متوجه گزاره می‌کند. وجهیت مفروض گزاره همراه خود را به شکل یک نتیجه منطقی مطرح می‌کند که مسلم فرض شده است (Lyons, 1997). به نقل از نغزگوی کهن، (۱۳۹۵).

وجهیت تکلیفی از انواع وجهیت رخدادی بوده و حاوی نوعی اجبار و یا اجازه برای انجام عمل فعل از سوی کنش گر موجود در گزاره است. همچنین می‌توان بر طبق تعریف سنتی آن را در قالب اجازه و اجبار تعریف کرد (همایون فر، ۱۳۹۲: ۷). این نوع از وجهیت برخلاف وجهیت معرفتی که دربرگیرنده قضاوت گوینده در باب احتمال و یا ضرورت وقوع گزاره است، نوعی حکم محسوب می‌شود.

طبق آنچه بیان شد، مشخص می‌شود که به عقیده زبان‌شناسان، ساختار وجه، نقش مهمی در ایفای معانی و مفهوم متن دارد؛ به طوری که می‌توان با در نظر گرفتن ساختار وجه به لایه‌های معنایی متن رسید. قرآن کریم به عنوان متن وحیانی در راستای هدایت انسانها سعی کرده است از ابزارهای مختلفی در جهت تفهیم معانی آیات استفاده کند.

نگاه به آیات قرآن کریم نشان می‌دهد که وجهیت در قرآن، برای تفهیم معانی به مخاطبان جای دارد و علاوه بر کاربرد وجهیت، انواع آرایه‌های ادبی نظیر تمثیل، تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه برای تفهیم آموزه‌ها و توجه مخاطبان آمده است. همچنین ساختار سبکی آیات، حتی در مورد آیات هم مضمون یکسان نیست. از آنجایی که «انفاق» از مقولات مهم و کلیدی قرآن کریم بوده و در آیات و سوره‌های مختلفی ذکر شده و

عمل به آن شرط ایمان دانسته شده است، این سؤال پیش می‌آید که چه عناصر وجهی و بلاغی در آیات مرتبط با انفاق آمده است و آن عناصر چه کارکردی در خوانش معنایی مناسب آن آیات دارند؟

۲. پیشینه پژوهش

توجه به آرایه‌های ادبی موجود در آیات قرآن از دیرزمان مورد توجه علمای اسلامی قرار گرفته و سعی شده است لطائف بلاغی آن تحلیل گردد. فرّاء (۲۰۷ ق)، در کتاب «معانی القرآن»، برخی از انواع آرایه‌های ادبی قرآن را ذکر نموده و در قرنهای بعد، افرادی نظیر جاحظ در کتاب «البیان و التبیان»، ابن قتیبہ در «تأویل مشکل القرآن» و رمّانی در کتاب «النکت فی اعجاز القرآن» به مباحث بلاغی قرآن اشاره نموده‌اند. در قرن پنجم نیز باقلانی در کتاب «اعجاز القرآن» مباحث بلاغی را با آیات قرآن تطبیق نموده (رضا نژاد، ۱۳۶۷: ۵۲) و در قرن ششم، عبدالقاهر جرجانی با تألیف دو کتاب «دلائل الاعجاز» و «اسرار البلاغه» مبانی نظری علم معانی و بیان را مشخص نموده است (مازن و طاهری، ۱۳۸۸: ۷). زمخشری کتاب «الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل» را تألیف کرده و در آن قواعد و اصولی را که عبدالقاهر جرجانی در علم معانی و بیان استنباط کرده بود، بر آیات قرآن تطبیق نمود (ضیف، ۱۹۶۵: ۲۲۱). تحقیقات در قرون بعدی، بیشتر در زمینه بیان قواعد، شرح و تلخیص و مرتب نمودن آن قواعد بود. در عصر حاضر در زمینه سبک شناسی آیات قرآن کریم، تحقیقاتی نگاشته شده است. از جمله می‌توان به تحقیقات زیر اشاره نمود:

کتاب «سبک شناسی قرآن کریم (تحلیل زبانی)»، نشر دانشگاه امام صادق (ع) نوشته حسین عبدالرئوف که در

سال ۱۳۹۰ چاپ شده است و نیز می‌توان به پایان‌نامه «بررسی سبک شناسی سوره توبه، تألیف فرشته بهرامیان در سال ۱۳۹۲ در دانشگاه تربیت مدرس اشاره کرد و پایان‌نامه «بررسی سبک شناسی قرآن در دعوت به تدبیر»، نوشته منظر نقی پور احمد آباد در سال ۱۳۹۰ دانشگاه امام خمینی قزوین و مقاله «سبک شناسی رویکرد بلاغی برخی آیات در ترغیب به ازدواج»، نوشته مهین حاجی زاده و فاضل بیدار در فصلنامه مطالعات سبک شناسی قرآن کریم در سال ۱۳۹۷» اشاره کرد. مقاله «سبک شناسی سوره نازعات» نوشته ابوالحسن مؤمن نژاد در فصلنامه پژوهش‌های ادبی قرآنی سال ۱۳۹۶ کار دیگری است که در این مورد انجام شده است.

«وجهیت» و توجه به عناصر وجهی متون، از مقولاتی است که در عصر حاضر مورد توجه زبان شناسان قرار گرفته است و در زبان فارسی، تحقیقات متعددی انجام شده است؛ از جمله می‌توان به مقاله «افعال وجهی در زبان فارسی و بیان وجهیت» از رحیمیان و همزاده در سال ۱۳۹۲ اشاره کرد که افعال وجهی را در چارچوب نظریه پالمر از دو جهت درجه و نوع تحلیل کرده‌اند. و نیز «ابعاد معناشناسی باید در زبان فارسی» نوشته همزاده و رضایی در سال ۱۳۸۹ اشاره نمود که در آن به بررسی زبان فارسی محاوره‌ای معاصر پرداخته شده و تنوع معانی وجهی «باید»، بررسی شده است. از تحقیقات انجام شده در زبان عربی می‌توان به کتاب «وجهیت، وجه و نمود در عربی گفتاری» اشاره کرد که توسط میتچل و الحسن در سال ۲۰۱۰ نگاشته شده است. همچنین می‌توان به رساله «بررسی ساختار وجهی و وجهیت در نامه‌های نهج البلاغه بر پایه فرا نقش

بینافردی دستور نقش گرا نوشته محمدعلی عرب زوزنی در دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۱۳۹۵ اشاره نمود.

و نیز مقاله «نمود واژگانی و نقش آن در وجهیت در نامه ۵۳ نهج البلاغه»، تحقیق دیگری در این راستاست که توسط مرتضی قائمی و اکرم ذوالفقاری نوشته شده و در فصلنامه زبان پژوهی در سال ۱۳۹۶، دوره ۹، شماره ۲۳ منتشر شده است. نویسنده در این مقاله ارتباط میان این عنصر وجهی با ایدئولوژی و نگرش امام (ع) را تبیین کرده است.

از این رو چه در زمینه سبک شناسی و چه در تبیین وجهیت آیات مرتبط با انفاق، تحقیقی صورت نگرفته است. این تحقیق در نظر دارد آرایه‌های بلاغی و وجهیت موجود در آیات مرتبط با انفاق را مورد بررسی قرار داده و نقش آنها را در خوانش معنایی مناسب آیات بررسی کند؛ بنابراین در این مقاله عناصر وجهی، در قالب وجه معرفتی و تکلیفی بررسی گردیده و آرایه‌های بلاغی نیز در تبیین آیات مورد توجه قرار گرفته است.

۳. روش شناسی پژوهش

این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی انجام شده است. ابزار گردآوری مطالب فیش برداری بوده و روش گردآوری مطالب کتابخانه‌ای است. با این توضیح که ابتدا تمامی آیات مرتبط با انفاق از قرآن کریم استخراج گردید و از میان آیات مزبور، آیات شاخص انفاق (مؤمنانه) به صورت گزینشی انتخاب شدند. در ابتدا وجهیت موجود در آیات مزبور بررسی شد و سپس عناصر بلاغی موجود در آنها استخراج و در راستای خوانش معنایی آیات انفاق تبیین گردید.

۴. یافته‌های پژوهش

در این بخش پس از شرح و پرداختن به مفاهیم کلیدی، نقش عناصر بلاغی و وجهی در تبیین معنای صحیح آیات انفاق مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱. معناشناسی واژه «انفاق»

«انفاق» از ریشه (ن ف ق)، به معنای «دادن مال» (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۵، ۱۷۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۰، ۳۵۷)، خروج و تمام شدن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ج ۱، ۸۱۹)، اخراج مال (قرشی، ۱۳۷۱: ج ۷، ۹۷) بوده و بر اساس همین معنای لغوی (خارج کردن و دادن مال)، به پراکندن مال و توزیع آن در میان مردم به صورت‌های گوناگون، انفاق اطلاق شده است (حکیمی، ۱۳۸۰: ج ۴، ۶۴۷). «انفاق» در اصطلاح رایج متون دینی، به اعطای مال یا چیزی دیگر در راه خدا به فقیران و دیگر افراد نیازمند گفته می‌شود (سجادی، ۱۳۵۷: ج ۱، ۳۲۳).

۴-۲. حوزه معنایی «انفاق» در قرآن کریم

«انفاق» در قرآن کریم، در معانی مطلق خرج کردن (کهف / ۴۲)، بذل مال در رفع حوائج افراد (منافقون / ۷) به کار رفته است که این بذل و خرج مال می‌تواند مؤمنانه (بقره / ۲۵۴؛ بقره / ۲۶۷؛ انفال / ۳) یا غیر مؤمنانه (طلاق / ۶-۷؛ آل عمران / ۱۱۷؛ انفال / ۳۶) باشد. در آیه هفتم سوره منافقون، از منافقینی یاد شده است که به ثروتمندان انصار توصیه می‌کردند در رفع نیازمندیهای فقیران مهاجر انفاق نکنند تا از اطراف پیامبر (ص) پراکنده شوند. در قرآن کریم حتی خرج کردن مال توسط کفار برای ممانعت از توسعه و پیشرفت اسلام، انفاق اطلاق شده است (انفال / ۳۶).

انفاق مؤمنانه نیز می‌تواند خالصانه (بقره / ۲۶۱؛ بقره / ۲۷۲) یا ریاکارانه (نساء / ۳۸؛ بقره / ۲۶۴) باشد. هر چند از منظر قرآن کریم انفاق مقبول، تنها انفاق مؤمنانه و خالصانه است و به تعبیر علامه طباطبایی انفاق مرائی از اساس باطل است (طباطبایی، ۱۳۸۶: ج ۱، ۳۸۹)؛ ولی در لسان قرآن کریم از واژه انفاق برای انفاق ریاکارانه نیز استفاده شده است. در این مقاله منظور از انفاق، انفاق مؤمنانه است که فرد مسلمان بعد از ایمان، بنا به دستور خدا ملزم به صرف و بذل مال در راه خدا می‌شود.

انفاق در فقه، به دو دسته انفاق واجب و مستحب تقسیم می‌شود. انفاق واجب شامل زکات، خمس، نفقات واجب و کفارات مالی است. صدقه مستحب نیز از مصادیق انفاق مستحبی محسوب می‌شود. در قرآن کریم در برخی آیات با کاربرد واژه «انفاق»، انفاق واجب و مستحب اراده شده (بقره / ۳؛ بقره / ۲۷۰؛ بقره / ۲۱۵؛ بقره / ۱۹۵؛ بقره / ۲۱۹؛ و در برخی تنها صدقه مستحبی مورد نظر بوده است. در آیه «وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ» (انفال / ۶۰) منظور از انفاق، انفاق در جنگ است، یعنی آنچه در این زمینه خرج بکنید بدون کم و کاست پاداش آن را از خدا دریافت خواهید کرد (قرشی، ۱۳۷۷: ج ۴، ۱۵۹). در قرآن کریم تنها از واژه انفاق برای این منظور استفاده نشده است بلکه در برخی آیات، از لفظ «صدقه»، برای امر به انفاق واجب زکات استفاده شده (توبه / ۱۰۴؛ توبه / ۵۸؛ توبه / ۱۰۴) و در برخی دیگر از همین لفظ، انفاق مستحبی مد نظر بوده است (بقره / ۲۷۱؛ توبه / ۷۹). در آیه ۲۴۵ سوره بقره: «مَنْ ذَا الَّذِي يقرضُ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا فَيضاعفه له أضعافاً كثيرةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَ

يَبْضُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»، انفاق با لفظ «قرض الحسنه» ذکر شده است (رازی، ۱۴۱۱: ج ۵، ۱۴۱؛ رشیدرضا، بی تا: ج ۲، ۲۶۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۹۰؛ طبرسی، ۱۴۱۲: ج ۱، ۱۳۴؛ ابن ابی جامع، ۱۴۱۳: ۱، ۱۹۸؛ مراغی، ج ۲: ۲۱۱؛ بانوی اصفهانی، ۲، ۳۶۰؛ جعفری، ۱۳۷۶: ۱، ۵۶۵). به تعبیر شیخ طبرسی، خداوند در این آیه، «انفاق» را قرض نامید؛ از باب لطف در امر به نیکی و انفاق و از نظر تأکید در اینکه حتماً پاداش خواهد داشت مانند قرض که باید پرداخت شود (طبرسی، ۱۳۶۰: ج ۳، ۷۲). این تعبیر، نشان دهنده نهایت لطف پروردگار نسبت به بندگان و اهمیت مسأله انفاق است (رضائی اصفهانی، ۱۳۸۷: ج ۲: ۲۴۵). بدین ترتیب در این مقاله، آیات مرتبط با خرج مال به دستور خداوند در راه نیازمندان اعم از واجب و مستحبی مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به اینکه تعداد آیات در این زمینه زیاد بوده و این مقاله ظرفیت پرداختن به همه آیات را ندارد، به صورت گزینشی آیات مرتبط مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۵. وجهیت و عناصر بلاغی به کار رفته در آیات مرتبط با انفاق و کارکرد معنایی آنها

در این قسمت، ابتدا عناصر وجهی به کار رفته در آیات مرتبط با انفاق، استخراج و بررسی گردیده و بر اساس داده‌ها، کارکرد معنایی عناصر وجهی و بلاغی به کار رفته در آیات بررسی می‌شود:

۱-۵. وجه معرفتی

وجه معرفتی، به آگاهی، باور و شناخت گوینده از موضوع مرتبط است و دلالت بر اطمینان یا عدم اطمینان گوینده درباره صدق یک گزاره دارد. وجهیت معرفتی، مقوله‌ای مندرج و مقیاس پذیر است و از

قطعیت کامل تا امکان خنثی در خصوص واقعی بودن وضعیت امور و یا رویداد محمول، معمولاً از جانب گوینده پاره گفتار است (همایونفر، ۱۳۹۲: ۳۲۲). این نوع وجه، بین قوی‌ترین و ضعیف‌ترین شکل در نوسان است. مانند:

این موضوع، می‌تواند حقیقت داشته باشد.

این موضوع، ممکن است حقیقت داشته باشد.

این موضوع، قطعاً حقیقت دارد (صالحی، ۱۳۹۵: ۸).
وجه مذکور، وجه اخباری و پرسشی را در بر می‌گیرد که هر دو در آیات مرتبط با انفاق دیده می‌شود.

الف) وجه اخباری

برخی از آیات مرتبط با انفاق، در قالب جمله اسمیه بیان شده است که کارکرد معنایی آن دوام و ثبوت است. آیه «مَثَلُ الَّذِينَ يَبْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره/۲۶۱) [مَثَل [صدقات] کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، همانند دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه‌ای صد دانه باشد؛ و خداوند برای هر کس که بخواهد [آن را] چند برابر می‌کند و خداوند گشایشگر داناست)، با جمله اسمیه ای شروع شده است که در داخل آن از فعل مضارع مرفوع استفاده شده است.

با توجه به اینکه عدول از جمله فعلیه به اسمیه، نشانه تأکید و ثبوت آن است، اسمیه بودن جملات ارائه شده در آیه شریفه (سه جمله: «مَثَلُ الَّذِينَ يَبْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ...»، «وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ»، «وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»، مؤکد بودن گزاره ارائه شده توسط گوینده سخن (خداوند) را نشان می‌دهد. فعل «یَبْفِقُونَ» نیز ناظر بر حالت گوینده در بیان خبر بوده و خود قطعیت

وقوع گزاره و نیز قاطعیت خداوند از صحت بیانات خود را بیان می‌کند.

چنین به نظر می‌رسد که در این آیه، خداوند با کاربرد وجه اخباری، خواسته است اولاً حقانیت گفته‌های خود را ثابت کند و از این طریق بیش‌ترین تأثیر را بر مخاطب بگذارد و ثانیاً به صورت غیر مستقیم، مخاطب خود را نسبت به انجام عمل ترغیب کند.

این تأثیر را تأکیدی که در کاربرد جمله «اللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ» در قالب جمله اسمیه و تکرار آن تأکید با جمله «وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» دارد، تقویت کرده است. در آیه مزبور آرایه بلاغی «تمثیل تشبیهی» نیز به کار رفته است. تشبیه در لغت به معنای مانند کردن چیزی به چیزی در صفتی (همائی، ۱۳۸۹: ۱۵۱) و در اصطلاح مشارکت دو چیز در وصفی از اوصاف به توسط الفاظ مخصوص (رجایی، ۱۳۵۹: ۲۴۴؛ هاشمی، ۱۳۸۳: ۷۲) است.

«مشبه»، در آیه شریفه، انسان انفاق کننده، «مشبه به»، بذر و «وجه تشبیه»، رشد است. بلاغت به کار رفته در آیه شریفه، برای تصویر دو برابر شدن (زمخشری ۱۴۰۷، ۱: ۳۱۰) است. انفاق کنندگان در آیه به کشاورزی تشبیه شده‌اند که دانه‌های گندم را در زمین می‌کارند. طبق آیه شریفه، کار انفاق کنندگان، مانند کاشتن دانه بذری است که برزگر در زمین می‌کارد و از این یک حبه، هفت سنبل و خوشه در می‌آید که در هر سنبل صد دانه وجود دارد. در نتیجه یک دانه کاشته و از آن هفتصد دانه برداشته است (جعفری، ۱۳۷۶، ۲: ۱۵). به گفته ابن عاشور، اصل تمثیل در دوبرابر شدن دانه است که دوبرابر شدنش از خودش است و چیزی به آن اضافه نمی‌شود (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ۲: ۵۱۳).

مناطق، گندم‌هایی رشد می‌کند که از هر بوته‌اش بیش از هزار دانه گندم می‌روید؛ و پاداش انفاق در راه خدا نیز واقعی است؛ یعنی خدا به اموالی که در راه او بخشش می‌شود هفتصد برابر برکت و پاداش می‌دهد (رضایی اصفهانی، ۳: ۱۳۸۷، ۲۹۲).

وجهیت معرفتی در آیه، ضرورت گزاره را به وسیله جملات اسمیه و نیز جملات اخباری با جنبه انگیزشی غیر مستقیم، همراه با تشبیه با درجه بلاغت بالا که در آن وجه شبه و ادات تشبیه محذوف است و کارکرد اصلاحی و تربیتی دارد، همسو حرکت کرده و خوانش معنایی آیه را تسهیل کرده است و بدین وسیله ضرورت انفاق را جهت رساندن انسان به هدف خلقت خود که همان رشد و تعالی روحی است ضروری دانسته و این ضرورت را با قاطعیت کامل و به صورت غیر مستقیم در بینش مخاطبان نمایش داده است. از این روست که تأثیرگذاری آن به دلیل اطمینان در صحت مطالب گفته شده بیشتر است.

در آیه «وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ تَشْبِيهًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بَرِيَّةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (بقره/۲۶۵) نیز با وجهیت معرفتی و اخباری، از تشبیه تمثیلی استفاده شده است. مقصود تشبیه، رشد و نمو انفاق مومنان مخلص نزد خداوند به باغ مرتفعی است که باران بر آن می‌بارد و میوه‌اش مضاعف می‌گردد (طنطاوی، ۱۹۹۷، ۱: ۶۱۰) و غرض از این مثل این است که بفهماند انفاقی که صرفاً لوجه الله و به خاطر خدا است هرگز بی اثر نمی‌ماند و بطور قطع روزی حسن اثرش نمودار می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۶، ۲: ۶۰۱).

اغلب مفسران عقیده دارند تشبیه به کار رفته در آیه شریفه در صورتی صحیح است که مضاف را در تقدیر بگیریم، چون شایسته نیست خود انفاق کنندگان به دانه تشبیه شوند (صاوی، ۱۴۲۷: ۱: ۱۶۶؛ زمخسری، ۱۴۰۷: ۱: ۳۱۰)؛ این در حالی است که برخی دیگر قائل به تقدیر نیستند؛ به عقیده آنان این آیه، تمثیلی از خود انفاق کننده و شگفتگی اوست؛ عمل هر انسانی پرتوی از وجود او است، و هر قدر عمل گسترش یابد، وجود انسان در حقیقت توسعه یافته است و انسان انفاق کننده در پرتو عملش، رشد فوق العاده معنوی و اجتماعی پیدا می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۲: ۳۱۴؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲: ۲۹۳؛ طالقانی، ۲/ ۲۳۰). به نظر می‌رسد تشبیه انفاق کنندگان به خود دانه‌ها، نشان دهنده جایگاه فاعل و پدید آورنده آن است؛ به طوری که خداوند با این تمثیل خواسته است، نشان دهد منافع انفاق به صورت مستقیم نصیب خود فرد انفاق کننده می‌شود. همچنین از دل این تشبیه می‌توان چنیت برداشت نمود همانطور که دانه برای تبدیل شدن به هفتصد دانه، نیاز به مراقبت و محافظت دارد، انفاق نیز باید از آفات دور بماند تا بارور شود.

در مورد وجود خارجی داشتن این تمثیل، بین مفسران بحث واقع شده است. برخی آن را تشبیه خیالی، وهمی و پنداری (کزازی، ۱۳۶۸: ۴۸) می‌دانند که آن تشبیهی است که در آن مشبّه به، وجود خارجی ندارد بلکه آن را تخیل گوینده در ذهن ترسیم کرده (همایی، ۱۳۸۹: ۱۵۵) و صرفاً یک فرضیه با کاربرد انگیزشی برای انجام انفاق (معنیه، ۱۴۲۴: ۱: ۷۰۶) است. برخی دیگر آن را واقعی دانسته و عقیده دارند تشبیه به هفتصد دانه یک تشبیه واقعی است نه فرضی؛ چرا که در برخی

که بفرماید «قالوا لهم ا نطعم» تا بفهماند آن علتی که مؤمنان را وادار کرد به اینکه به کفار بگویند: "از آنچه خدا روزیتان کرده انفاق کنید، ایمان ایشان به خدا بود (طباطبایی، ۱۳۸۶، ۱۷: ۱۳۸). همچنین استفاده از اسم ظاهر به جای ضمیر، تأکیدی بر مطالب ارائه شده در آیه است.

ب) وجه پرسشی

برخی آیات مرتبط با انفاق، مشتمل بر وجهیت معرفتی بوده و در قالب جملات پرسشی مطرح شده‌اند. در این آیات، وجه پرسشی سه بار به کار رفته است. وجهیت پرسشی همراه با بلاغت موجود در معانی ثانوی استفهام، خوانش معنایی آیه «أ يودُّ أَحَدِكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَةٌ ضُعْفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ» (بقره / ۲۶۶) را تسهیل کرده است.

استفهام به کار رفته در آیه شریفه انکاری بوده و تعجب گوینده سخن را نشان می‌دهد. خداوند در آیه شریفه سؤال نموده است آیا یکی از شما دوست دارد که باغی از درختان خرما و انگور داشته باشد و نهرها از زیر آنها روان شود و صاحب باغ به پیری برسد و دارای فرزندان کوچکی باشد که هم خود و هم فرزندانش احتیاج به کمک داشته باشند در چنین حالتی ناگهان گردبادی بلند شود و آن باغ را در هم نابود کند. آیا کسی دوست دارد که چنین سرنوشتی داشته باشد؟ بدون شک کسی دوست ندارد چنین سرنوشتی داشته باشد. جواب این سؤال منفی است. می‌توان گفت علاوه بر نشان دادن اعجاب خداوند از عمل افرادی که توجهی به انفاق ندارند، سؤال مطرح شده در آیه وضوح

این آیه نیز با کاربرد جملات اسمیه و نیز استفاده از فعل مضارع که ارتباط فوری و بی واسطه با واقعیت دارد (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۹۱)، قطعیت خداوند از بیان سخن را نشان داده و با قاطعیت شرط برخورداری از ثمرات انفاق را از دید خداوند، تنها داشتن نیت وجه خالصانه گزارش می‌کند. عنصر بلاغی به کار رفته، ذهن را به راحتی و به گونه‌ای ملموس به نحوه انفاق مؤثر و فایده آن، هدایت کرده است؛ به طوری که بدون استفاده از مثل و تشبیه لازم بود آیات متعددی در راستای تبیین این معارف ذکر می‌شد. همچنین ذکر آرایه تمثیل برای تبیین این موضوع، نشان از اهتمام و اصرار گوینده در تفهیم مطلب مزبور را دارد. از این رو، وجهیت و عنصر بلاغی در کنار هم قرار گرفته و این معنا را به مخاطب تلقین می‌کند که انفاق به شرطی می‌تواند اثرگذار در تعالی انسان باشد که از این کار رضای الهی دنبال شود. در آیه «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ نَطْعَمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (یس / ۴۷) استفاده از جمله اسمیه، بیانگر قاطعیت خداوند از بیان گزارش و نشان دهنده ضرورت انجام انفاق در زمان گذشته از سوی عامل بیرونی بر کنش گران گزاره است که استفاده از فعل مجهول بیان کننده عدم وقوع کنش توسط کنشگران در زمان گذشته است. خداوند برای برانگیختن مخاطب به انجام انفاق، به گذشته برگشته و اتفاقات گذشته را مرور کرده است. با ذکر عبارت «الذین کفروا» به علت عدم انفاق آنها (کفر) اشاره کرده است و بدین وسیله نشان داده است که شرط ایمان، انفاق است. به نوشته علامه طباطبایی از مؤمنین نیز به "لِلَّذِينَ آمَنُوا" تعبیر کرده که اسم ظاهر است با اینکه مقتضای مقام این بود

این جملات دیده می‌شود؛ به عنوان نمونه می‌توان به آیه «يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَ مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» (بقره/۲۱۵) و «...وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوُ كَذَلِكَ بَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ» (بقره/۲۱۹) اشاره نمود. در هر دو آیه وجهیت به کار رفته، وجهیت معرفتی است که ضرورت انجام انفاق را می‌رساند. چنانچه عبارت (فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ) همین معنا را تکیه می‌کند. بلاغت به کار رفته در آیه «...وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوُ كَذَلِكَ بَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ» (بقره/۲۱۹) ایجاز قصر است. ایجاز قصر آن است که کلام دارای فزونی معنا و کمی الفاظ باشد و برای بیان معانی نیازی به حذف واژه یا واژه‌هایی از کلام نداشته باشد (عرفان، ۱۳۸۹، ۲: ۴۸۸). در این آیه، بعد از طرح سؤال در کوتاهترین بیان: «الْعَفْوُ» پاسخ داده شده است. این واژه در عین کوتاهی تعبیر، معانی مختلفی را می‌رساند؛ طبق بیان مفسران، «الْعَفْوُ» هم می‌تواند بیانگر مقدار انفاق (قریشی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۴۰۵) و هم نوع (طیب، ۱۳۶۹، ۳: ۲۸۲) و هم بیان چگونگی آن باشد (جعفری، ۱: ۵۱۹). لذا وجهیت معرفتی به کار رفته در آیه همراه با عنصر بلاغی آن، اشتمال و جامعیت انفاق (مورد سؤال آیه) را می‌رساند به این معنا که هیچ مصداقی از حوزه شمول مورد سؤال خارج نمی‌باشد.

(ج) وجه شرطی

در بین آیات مرتبط با انفاق در آیه «إِنْ تَبُدُّوا الصَّدَقَاتِ فَعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ يُكْفِرْ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (بقره/۲۷۱) از وجه شرطی استفاده شده است.

را نیز نشان می‌دهد؛ یعنی کاملاً واضح است که تو دوست نداری چنین اتفاقی برایت بیفتد. بلاغت به کاررفته در آیه شریفه معانی ثانوی استفهام است که در علم معانی از آن بحث می‌شود.

یکی از معانی ثانوی طرح این پرسش از دید علم معانی این است که این سؤال مخاطب را به انکار آن وا داشته و زمینه ساز اعجاب و تعجب او نیز می‌گردد. مرحوم طالقانی عقیده دارد «ایود احدکم؟!» برای هشیاری و چشم گشودن به چنین پایانی ذکر شده است و خطاب «احدکم»، برای آن است که هر که برای خود چنین تصویری نماید و آن را در خود احساس کند (طالقانی، ۱۳۶۲: ۲: ۲۳۷). بدین ترتیب وجهیت سؤالی آیه، همراه با معانی ثانوی پرسش مطرح شده در آیه (عنصر بلاغی) به منظور هشدار دادن و تحذیر مخاطبان در کنار هم قرار گرفته‌اند تا این معنا را به مخاطب انتقال دهند که مراقب باشد مبدا انفاقهای خود را در اثر ریا و منت از بین ببرد. خداوند با طرح این پرسش، انفاق کنندگان منت گذار را توبیخ نموده است و آنها را تهدید کرده است. همچنین طرح این پرسش معنای ثانوی دیگری نیز دارد که آن ارشاد و راهنمایی مردم در راستای انفاق صحیح است. در انتهای آیه به کار رفتن «لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ»، با وجهیت منفی، شک و تردید گوینده از توجه به مطالب ارائه شده قبلی را نشان می‌دهد؛ گویی خداوند می‌فرماید همه شما دارای شخصیت یکسان نیستید و برخی با تفکر به مطالب توجه نموده و پند می‌پذیرند و برخی دیگر تفکری نخواهید داشت. در قرآن کریم پاسخ برخی جملات پرسشی همراه طرح پرسش ارائه شده‌اند که در آیات مرتبط با انفاق نیز از

این آیه با جمله‌ای شرطی و با قطبیت مثبت، خیر بودن را منوط و مشروط به وقوع فعل شرط (پنهان کردن صدقات) کرده است؛ به گونه‌ای که مخاطب می‌فهمد به شرط فراهم شدن این شرط، انفاق مقبول اتفاق خواهد افتاد. در حقیقت انفاق مقبول و صحیح، بی قید و شرط بیان نشده که نیازی به عنصر وجهی نداشته باشد. استفاده از جمله اسمیه در آخر آیه (اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ) این گزاره را تأکید کرده و قطعیت را رسانده است.

آیه «قُلْ أَنْفِقُوا طَوْعاً أَوْ كَرْهاً لَنْ يَتَقَبَّلَ مِنْكُمْ إِِنْ كُمْ كُنْتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ» (توبه/۵۳) نیز دارای وجهیت شرطی است که در آن خداوند، کنشگر گزاره را ملزم به انجام انفاق صحیح نموده است. در این آیه صیغه امر "انفقوا" در معنای شرط است، و تردید در "طَوْعاً أَوْ كَرْهاً" هم به منظور تعمیم است. عنصر بلاغی به کار رفته کنایه است؛ صیغه امر در این گونه موارد کنایه است از اینکه نهی در کار نیست و کسی جلو شما را نگرفته، و این خود اشاره است به اینکه این عمل، عمل بیهوده‌ای است که اثری بر آن مترتب نمی‌شود. جمله "لَنْ يَتَقَبَّلَ مِنْكُمْ" تعلیل همان امر است، هم چنان که جمله "إِنْ كُمْ كُنْتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ" بیان علت قبول نشدن است (طباطبایی، ۱۳۸۶: ج ۹: ۴۱۳). وجهیت و بلاغت در کنار هم، معنای بی ثمر بودن انفاق افراد فاسق را نشان می‌دهد.

۵-۲. وجه تکلیفی

چنانچه گفته شد، وجهیت تکلیفی حاوی نوعی اجبار و یا اجازه برای انجام فعل از سوی کنش گر موجود در گزاره است. در قرآن کریم، از این وجهیت در قالب جملات امری و تمنای استفاده شده است که در این قسمت مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف) وجه امری

فعل امر در جملات امری، متشکل از قطبیت و وجهیت انشایی است. امر عبارت از درخواست حصول کار از مخاطب به گونه استعلا و برتری بوده؛ به گونه‌ای که انجام آن را الزامی کند (تجلیل، ۱۳۷۴: ۲۱؛ سکاکی، بی‌تا: ۱۳۷). انشاء نیز بیانی است که ذاتاً محتمل صدق و کذب نباشد و به تعبیر دیگر قصد هماهنگی نسبت کلامی با نسبت خارجی در آن نیست (عرفان، ۱۳۸۹: ۲: ۲۶۳).

به عقیده زبان شناسان، وجه امری به آنچه باید صورت گیرد یا بهتر است انجام شود، اشاره دارد که شامل کارهای اجباری در همه اشکال آن و وظایف و الزامات می‌شود و میان ضعیفترین شکل (من از تو خواهش می‌کنم) تا قوی‌ترین شکل (من به شما دستور می‌دهم) در نوسان است (آقا گلزاده، ۱۳۸۷: ۱۴).

به نوشته «لاینز»، جمله‌های امری، دسته‌ای از جمله‌هایی را تشکیل می‌دهند که نوعاً جمله‌های ترغیبی نامیده می‌شوند و برای امر، نهی، درخواست و ... به کار می‌روند (لاینز، ۱۳۹۱: ۲۸۴). از این رو وجه امری درجه قطعیت بالای متن را می‌رساند.

در آیات مرتبط با انفاق، وجه امری به کرات مورد استفاده قرار گرفته است. پر بسامدترین فعل امر در آیات انفاق، «انْفِقُوا» است که صراحتاً با استفاده از فعلی از ریشه (نفق) دستور به انجام انفاق کرده است. از دید بلاغی، جملات امری علاوه بر معنای اصلی که این جملات دارند، حاوی معنای ثانوی نیز هستند. استفاده از عناصر وجهی امری همراه با بلاغت مندرج در این آیات، معناداری این دسته از آیات را نشان می‌دهند. به عنوان نمونه، خداوند، در آیه ۲۴۵ از سوره بقره: «یا

اشاره کرده است که قطعیت خود از این دستور را نشان می‌دهد. در آیه شریفه از آرایه بلاغی «کنایه»، در راستای القای معنای قطعیت و تأکید بیشتر استفاده شده است. عبارت «إِلَّا أَنْ تُعْمَضُوا فِيهِ» به معنای (إِلَّا وقت إغماضکم فيه یا إِلَّا بِإِغْمَاضِکُمْ فِيهِ) است که کنایه از مسامحه است. این تعبیر زمانی به کار می‌رود که تجاوز از چیزی شایسته با مواخذه شباهت داشته و فرد از دیدن آنچه که از آن متنفر است اجتناب می‌ورزد (الصادق، ۳، ۱۴۱۸: ۵۹). در آیه شریفه، در قالب استفاده از کنایه، به گونه‌ای ملموس تأکید شده است که نباید چیزی به فقیر داده شود که پست و بی ارزش بوده و قبول آن از روی اکراه و چشم پوشی از پستی آن باشد. طبق نظر نویسنده کتاب «أسالیب البیان فی القرآن»، دلیل این شیوایی ارائه نمودن معانی در قالب صورت‌های عینی است که آنها را به صورت امری ملموس و مشهود درآورده است و آشکارا به نمایش می‌گذارد و این رمز تأثیر عمیقی است که کلام کنایی بر مخاطب دارد، درحالی که کلام عادی و صریح از اجرای چنین نقشی عاجز است» (حسینی، ۱۴۱۳: ۷۵۴).

نتیجه قطعی ضرورت انجام انفاق با شرایط گفته شده از گفته گوینده (خداوند) با استفاده از آرایه‌های بلاغی و عناصر وجهی آشکار است. از این رو، در این آیات، درجه وجهیت، قوی است و عنصر وجهی و بلاغی آیه، متضمن تحقق این رخداد است.

در آیه شریفه «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (توبه/۱۰۳) نیز وجهیت تکلیفی در قالب جمله‌ای امری همراه با حرف (ان) و نیز توصیف خداوند به

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (بقره/۲۵۴) با مخاطب قرار دادن ایمان آوردگان به صورت مستقیم و با وجهیت الزام از آنها می‌خواهد انفاق کنند. نکته قابل توجه اینکه در آیه شریفه، اقتدار گوینده سخن و موقعیت برتر وی با استفاده از ضمیر «نا» به تصویر کشیده شده است. محمول «انفقوا» با قطبیت مثبت و ضمیر فصل در انتهای آیه نشان دهنده قطعیت خداوند از ظالم بودن افرادی است که به این عمل نمی‌پردازند و این آیه هشدار می‌دهد مخاطبان در قالب بند امری است و نشان می‌دهد اطلاعات به مخاطبان از یک منبع آگاه که مسئولیت این گزارش را بر عهده گرفته، صورت گرفته است.

خداوند ضمن تشویق به انفاق، به این نکته نیز اشاره می‌نماید مالی را که در اختیار مردم قرار دارد، خدا به آنان بخشیده است. و [اگر امروز انفاق نکنند] فردا فرصت از دست آنها خواهد رفت و انسان باایمان خردمند باید فرصت را پیش از آن‌که از دست برود غنیمت بشمارد» (مغنیه، ۱۴۲۴، ۱: ۳۹۰).

یا در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَتِمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِأَخِيذِهِ إِلَّا أَنْ تُعْمَضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ» (بقره/۲۶۷) با فاعل قرار دادن ایمان آوردگان با وجهیت الزام و قطبیت مثبت به صورت مستقیم (غیر استعاری)، علاوه بر القای انجام عمل به مخاطب، در مورد نحوه انفاق نیز توضیحاتی به مخاطب داده و برای اعتبار بخشی به پیام خود در قالب فعل امر «اعلموا» به صفات خداوند که خود دهنده پیام است

سمیع و علیم بودن که از انفاق انفاق کنندگان با خبر است، قطعیت کلام را بیشتر کرده است. در این آیه نیز با کمک علم معانی می‌توان معنای ارشاد و نصیحت و خیرخواهی خداوند را برداشت نمود که در کنار وجهیت، قاطعیت خداوند از دستور به انفاق و ضرورت انجام آن به دست می‌آید؛ به طوری که نشان می‌دهد انجام انفاق شرط ضروری تزکیه نفوس است.

در آیه «... وَ أَنْفِقُوا خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ وَ مَنْ يَبْذُرْ شَعِيرًا نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (تغابن/۱۶) نیز وجهیت تکلیفی همراه با اسمیه بودن بند بعدی و نیز استفاده از ضمیر فصل (هم) که آن نیز قاطعیت را می‌رساند، بر ضرورت انفاق برای رسیدن به رستگاری تأکید شده است؛ هدف از خلقت انسان رسیدن به کمال است و برای رسیدن به کمال انجام انفاق ضروری است؛ لذا می‌توان گفت در این وجهیت تکلیفی نوعی اجبار نیز وجود دارد که نیروی بیرونی مجاب کننده در آن رسیدن به هدف خلقت است. در صورتی که اگرهدف خلقت را نادیده بگیریم، این وجه را می‌توان دارای درجه پایین‌تر از الزام و اجبار تلقی نمود که در آن الزامات شدیدی بر کنش گر گزاره تحمیل می‌شد. به این صورت که در مقام بیان ارشاد و پند اخلاقی همسو با هنجارهای اجتماعی ذکر شده و درجه الزام آن کمتر از قبل است.

در بیان یک گزاره امری این امکان وجود دارد که یا موقعیت اجتماعی گوینده نسبت به مخاطب به او

این امکان را دهد تا با بیان یک جمله امری رفتار یا کنش مخاطب را تحت تأثیر قرار دهد و یا از سوی دیگر برخورداری گوینده از صلاحیت عقلانی لازم نسبت به یک موضوع به وی این اجازه را دهد تا پیرامون آن موضوع اظهار نظر کند (شواگر، ۲۰۰۵، ۱۵۷ به نقل از مغانی، ۱۳۹۷) که در قرآن کریم امر از سوی خداوندی است که بر همه کس سیطره دارد. از آنجایی ضرورت و الزام گوینده بر اساس شرایط و جریان امور در موقعیت است، می‌توان گفت خدا در مطلب انفاق به خاطر رسیدن انسانها به کمال و اصلاح امور دنیوی آنها که در برخی موقعیتها ضروری تر است، دستور به انفاق داده است.

در آیه «بَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْذُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَ الْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ وَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدَرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (بقره/۲۶۴) (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدقه‌های خود را با منت آزدن باطل نکنید، مانند کسی که مال خود را به ریا و خودنمایی به مردم انفاق می‌کند و به خدا و روز واپسین ایمان ندارد، که (کار او) مثل سنگ سخت و صافی است که خاکی (اندک) بر آن نشست، پس باران تند و درشتی به آن برسد و آن را سنگی صاف (و بدون خاک و گیاه) واگذارد (صدقه او نظیر آن خاک است. و ریاکاران) به چیزی از آنچه کسب کرده‌اند،

«بأیدیکم» به معنای «بأنفسکم» است که بر سبیل مجاز مرسل آمده است. به آیدی (جزء) تعبیر شده و آنفس که کل است، اراده شده است (صافی، ۱۴۱۸، ۲: ۴۰۰). درآیه با استفاده از مجاز، معنا به سادگی به ذهن شنونده نزدیک شده است. مخاطبان آیه با شنیدن آن ضمن تلاش ذهنی برای پیدا کردن وجه شبه و ربط و پیوند دو طرف آن (ارتباط بین دست و نفس و جان انسان به هم) معنا و مقصود خداوند را که تأکید بر لزوم دادن انفاق با دست و با اختیار خود انسان است، درک می‌کنند و پی می‌برند که اگر با اختیار و علاقه خود انفاق نکنند با دست خود، موجبات هلاکت خود را فراهم می‌نمایند. اگر از این آرایه ادبی استفاده نمی‌شد این معنا در ذهن خواننده شکل نمی‌گرفت و آن تهدیدی که در ورای آیه نهفته است به خواننده انتقال نمی‌یافت.

ب) وجه تمنایی

وجه تمنایی، با واژگانی بیان می‌شود که آرزوی گوینده سخن را نشان می‌دهند. این وجهیت در زبان عربی با واژه «عسی» بیان می‌شود. منقول است در صدر اسلام، ابولبابه و یارانش پس از ارتکاب گناه، توبه کرده و از خداوند عفو طلبیدند. خداوند ضمن پذیرش توبه آنان به پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمان داد تا برای پاک شدن آنان بخشی از اموالشان را بگیرد و آنان را توصیه به انفاق نمود: «وَأَخْرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا عَسَى اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ

دست نمی‌یابند و خداوند مردم کافر را هدایت نمی‌کند)، وجهیت آیه امری با قطبیت منفی (با به کار بردن «لا») است و آرایه بلاغی آن، استفاده از تمثیل است. در آیه مخاطب جمله، آشکار شده و به صورت ندایی آمده است. همه این عناصر، در کنار هم با برانگیختن ذهن مخاطب، او را به تعقل واداشته و زمینه را برای درک معنای بهتر آیه که عبارت از ضرورت انفاق بدون منت است دعوت می‌کنند. آیه با کمک وجهیت و عنصر بلاغی آن اولاً ارزیابی خداوند از خوب نبودن انفاق همراه با اذیت را نشان داده و ذهن را به این سمت سوق می‌دهد که فردی برای رضای خدا مالش را می‌بخشد، بر عکس مطالب آیه، مثلش مانند باغی است که در جایی مرتفع بنا شده است. به چنین باغی اگر باران شدیدی برسد محصولش دوبرابر می‌شود و اگر بارانی هم نرسد باز محصول خودش را خواهد داشت. در ابتدای آیه، با به کار بردن «یا ایها الذین آمنوا» و با خطاب قرار دادن مؤمنان که بار معنایی خاص خود، به آن‌ها می‌فهماند که ایمان شما چنین اقتضا می‌کند که انفاق خود را باطل نکنید.

در آیه «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (بقره/۱۹۵) با وجهیت امری مثبت و منفی و عناصر تأکیدی (إِنَّ) همان کارکرد آیات قبل را داشته و در عبارت «لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» مجاز با علاقه جزئیت به کار رفته است.

عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ * خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ...» (توبه / ۱۰۲)

وجه تمنایی با استفاده از واژه «عسی»، نشان دهنده آرزوی خداوند از قبولی توبه آنان در صورت انجام انفاق است. به تعبیر دیگر، انجام فعل قطعی (قبولی توبه)، بستگی به انجام فعل دیگر (انفاق اموال توسط درخواست کنندگان توبه) دارد. با توجه به اینکه گوینده سخن خداوند است و او، همان قبول کننده توبه است، کار برد این وجه را می‌توان به عنوان وجه معرفتی استقرایی در نظر گرفت که خداوند با ذکر عناصر این وجه، مرتبه‌ای بالا از الزام را بیان داشته است. این وجه را نمی‌توان از نوع وجه حدسی و از مرتبه امکان که صرفاً حدس و گمان گوینده در مورد آینده است، تلقی نمود؛ چون این سخن از سوی خداوند قادر و عالم صادر شده است.

۶. نتیجه گیری

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که آیات مرتبط با انفاق جملاتی خنثی و فاقد وجهیت نیستند؛ بلکه نگرش خاص گوینده سخنان نسبت به موضوع انفاق در آن نمایان است. در این آیات انواع آرایه‌های بلاغی (تشبیه تمثیلی، استعاره تمثیلی، مجاز، کنایه، ایجاز قصر) و نیز هر دو قسم وجهیت معرفتی و تکلیفی ذکر شده است که کاربرد عناصر وجهی در آیات مزبور با کاربرد آرایه‌های بلاغی همسو بوده و هر دو در کنار یکدیگر در خوانش معنایی مناسب و صحیح از آیات نقش ایفا می‌کنند.

بسامد بالای وجه معرفتی، قاطعیت خداوند و وجه امری ضرورت و اهمیت انجام انفاق را نشان می‌دهد که خداوند اخبار و اطلاعات را به صورت مستقیم در اختیار مخاطب قرار می‌دهد.

تعهد وجهیتی هم در این آیات با توجه به کمال خداوند، در سطح بالایی بوده و خداوند هنگام بیان نگرش خود نسبت به انفاق، آن را در ساختاری به کار برده است که از طرف ایشان میزان مشخصی از فشار بر مخاطبان آن احساس می‌شود. آیات انفاق در قرآن از زبان یک گوینده اصلی بیان شده‌اند که در همه جا و همه زمانها حضور دارد و میزان بالای وجه امری و اخباری و کم بودن ساختهای التزامی، شرطی، تمنایی، پرسشی که درجه قطعیت پایین متن را می‌رسانند، دلیل بر درجه قطعیت بالای متن است.

استفاده از وجهیت امری، نشان دهنده درخواست خداوند از انجام انفاق به صورت همیشگی بوده و این وجه در قالب یک گوینده قدرتمند بیان شده است. عناصر بلاغی متن، معانی الزام و تحمیل وظیفه را به مخاطب نشان می‌دهد؛ به طوری که مخاطب درک می‌کند آنچه قرار است انفاق شود، از خداست و در صورت عدم توجه به آن، هیچ قدرتی توان مقابله با خداوند را نخواهند داشت. عناصر تأکیدی آیه نیز نشان می‌دهد که گوینده سخن، نسبت به مطالبی که ارائه می‌دهد، مطمئن است و به آن اشراف کامل دارد. عناصر وجهی تأکیدی موجود در آیات مزبور در ایجاد موضع

انفاق قطعی نبوده و بستگی به پذیرش مخاطبان آیه دارد. در آیات مرتبط با انفاق، کنش ترغیبی غالب است و بالاترین بسامد را در این آیات دارد. وجود وجه تمنایی با کنش عاطفی نشان می‌دهد که گوینده قصد دارد به مخاطب نیت خیر خود و نیز نزدیکی خود را به او نشان دهد. بدینوسیله عناصر وجهی و بلاغی با رعایت جلب اعتماد مخاطب، سبب کنش ترغیبی شده است.

این دسته از آیات، دارای شیوه بهم آمیخته تشویق و تحذیر است. خداوند ضمن ایجاد انگیزش، ترغیب و اثبات معانی و ارائه تصویر محسوس از مفاهیم به مخاطبان پند می‌دهد که برای رشد و کمال خود ضرورت دارد، انفاق کنند و آنها را از گرفتار شدن در سرنوشت بد می‌ترساند. درصد بالای وجه امری و سپس اخباری علاوه بر بیان قطعیت متن و قاطعیت گوینده در بیان باورها، نگرانی نسبت به سرنوشت مخاطبان را نیز نشان می‌دهد.

۷. منابع

- قرآن کریم
- ابن عاشور، محمدطاهر. (۱۴۲۰). التحرير و التنوير، بيروت: موسسه التاريخ العربی
- ابن‌ابی‌جامع، علی بن حسین. (۱۴۱۳). الوجيز في تفسير القرآن العزيز (عاملی)، قم: دار القرآن الکریم
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴)، لسان العرب، بيروت: دار الفکر

اقتدار برای گوینده کارکرد داشته و استفاده از وجهیت مثبت، ارتباط میان گوینده سخن و شنونده را تأیید می‌کند. به گونه‌ای که هر دو، سبب جلب مخاطب به گوش دادن سخنان گوینده می‌شوند استفاده از آرایه‌های بلاغی نیز همسو با عناصر وجهی مخاطب را به تأمل بیشتر و می‌دارد. وجهیت امری با وجهیت مثبت، به شنونده می‌فهماند که گوینده در جایگاهی بالاتراز مخاطب قرار داشته و به آنچه می‌گوید اطمینان دارد و بدین وسیله مخاطب را به پذیرش سخنان خود فرا می‌خواند. وجهیت امری، ارتباط مؤثر گوینده با مخاطب را بیان می‌کند و استفاده غالب آن در آیات مرتبط با انفاق نشان می‌دهد که خداوند با استفاده از این وجهیت خواسته است با مخاطب خود ارتباط برقرار کند و ایمان زمینه ساز این رابطه مؤثر شده است. حتی در آیاتی که با وجه اخباری ذکر شده‌اند، متن حالت خطابی داشته و مخاطبان آیه به طور غیر مستقیم مورد خطاب قرار گرفته‌اند. خداوند، با ذکر آرایه‌های ادبی، مخاطب خود را اقناع کرده است تا انفاق را همراه با شروط صحت آن انجام دهد. می‌توان گفت سبک سنجش گوینده (خداوند)، در این آیات بیشتر اقناعی است.

از بند پرسشی، برای اعلام هشدار و اغراض بلاغی انکار و تقریر استفاده شده است که همراه با عناصر بلاغی خوانش معنایی آیات مرتبط تسهیل شده است. همچنین کاربرد وجه شرطی و امری که زمان نداشته و آینده محورند، نشان می‌دهد که وقوع فعل

- الجاحظ، أبي عثمان عمر بن بحر. (۱۲۲۹ هـ - ق)، البيان و التبيين، بيروت: دارالجيل.
- آقاگلزاده، فردوس و پور ابراهي، شيرين. (۱۳۸۷)، «بررسی زبان شناختی دیدگاه روایتگری داستان روز اول قبر صادق چوبک در چارچوب مدل سیمپسون»، مجله نقد ادبی، سال اول، شماره سوم، صص ۷-۲۷
- آلوسی، محمود بن عبدالله. (۱۴۱۵). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون
- بانوی اصفهانی، نصرت بیگم، (بی تا). مخزن العرفان فی علوم القرآن، بی جا
- بهار، محمد تقی. (۱۳۸۱). سبک شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی. تهران: زوار.
- پورنامداریان، تقی، (۱۳۷۴)، سفر در مه، تهران، زمستان
- تجلیل، جلیل، (۱۳۷۴)، معانی و بیان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی
- تفتازانی، مسعود بن عمر (سعدالدین)، شرح مختصر المعانی، دار الحکمه
- جرجانی، عبدالقاهر. (۱۳۶۸). دلائل الإعجاز فی القرآن. مشهد: آستان قدس رضوی
- جعفری، یعقوب. (۱۳۷۶)، تفسیر کوثر، انتشارات هجرت
- حسینی همدانی، سید محمد حسین. (۱۴۱۴ ق)، انوار درخشان، تهران، کتاب فروشی لطفی.
- حسینی، جعفر. (۱۳۹۲)، اسالیب البیان فی القرآن، قم: بوستان کتاب
- حکیمی، محمدرضا، حکیمی محمد، حکیمی علی. (۱۳۸۰)، الحیاه، ترجمه احمد آرام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- رازی، فخرالدین. (۱۴۱۱)، التفسیر الکبیر، بیروت: دارالکتب العلمیه
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دار القلم
- رحیمیان، جلال و عموزاده. (۱۳۹۲)، افعال وجهی در زبان فارسی و بیان وجهیت، پژوهش‌های زبانی، دوره ۴، شماره ۱، صص ۲۱ تا ۴۰
- رشیدرضا، محمد (بی تا)، المنار، بیروت: دارالفکر
- رضایی اصفهانی، محمد علی، (۱۳۸۷)، تفسیر قرآن مهر، قم، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن
- سجادی، سیدجعفر (۱۳۵۷)، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران
- سعیدی روشن، محمدباقر. (۱۳۸۹)، زبان قرآن و مسائل آن، تهران: انتشارات سمت
- سکاکی، یوسف بن ابی بکر. (۱۹۳۷ م.). مفتاح العلوم. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- صادقی تهرانی، محمد. (۱۳۸۸ ش.). ترجمان فرقان، قم: شکرانه
- صافی، محمود. (۱۴۱۸). الجدول فی إعراب القرآن و صرفه و بیانه مع فوائد نحویة هامة، دار

- الرشید - سوریه - دمشق، چاپ: چهارم
- فتحی، محمود. (۱۳۹۲)، سبک شناسی، نظریه‌ها رویکردها و روش‌ها، چاپ دوم، تهران: سخن
- صالحی، پیمان. (۱۳۹۵)، «بررسی و تحلیل داستان حضرت یوسف علیه السلام در قرآن کریم در چارچوب الگوی سیمپسون»، فصلنامه پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، شماره هشتم، صص ۶۹-۹۴
- فتوحی، محمود. (۱۳۸۵)، بلاغت تصویر، تهران: سخن
- صاوی، احمد بن محمد. (۱۴۲۷). حاشیه الصاوی علی تفسیر الجلالین، لبنان- بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹)، العین، قم: نشر هجرت
- قائمی، مرتضی، ذوالفقاری، اکرم. (۱۳۹۵)، «نقش وجه فعل در وجهیت در نامه ۵۳ نهج البلاغه»، نشریه پژوهش‌های زبانشناسی تطبیقی، شماره ۱۲، دوره ششم
- قشقی، سیدعلی اکبر. (۱۳۷۷ ش)، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بعثت
- _____ (۱۴۱۲)، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه
- لاینز، جان. (۱۳۹۱)، درآمدی بر معناشناسی زبان، کورش صفوی، تهران: نشر علمی
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۸۶). المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به حوزه علمیه قم
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۲)، تفسیر جوامع الجامع، قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۶۰)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات فراهانی
- طنطاوی، محمد سید. (۱۹۹۷). التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، نهضة مصر - قاهره، چاپ: اول
- مراغی، احمد مصطفی. (بی تا)، تفسیر المراغی، دارالفکر
- مغانی، حسین. (۱۳۹۷)، معنی شناسی جملات امری در فارسی، فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، دانشگاه رازی کرمانشاه، سال ۶، شماره ۲۱، صص ۹۹-۱۲۶
- عونی، حامد، (بی تا)، المنهاج الواضح للبلاغه، بیروت، المكتبة الأزهریة للتراث

- البلاغه، قم: بلاغت
- مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۴). الکاشف، قم: دارالکتاب الإسلامی
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۷)، با همکاری جمعی از فضلاء و دانشمندان، تفسیر نمونه، قم، انتشارات امام علی بن ابی طالب
- نغزگوی کهن، مهرداد، نقشبندی، زانیار. (۱۳۹۵)، «بررسی افعال وجهی در هورامی»، جستارهای زبانی، دوره ۷، شماره ۳، صص ۲۲۳-۲۴۳
- هاشمی، احمد. (۱۳۸۳). ترجمه و شرح جواهر
- همایونفر، مژگان. (۱۳۹۲)، وجه و تأثیر آن بر زبان فارسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی.
- Simpson, paul (1993). Language ideology and point of view. London: routledg
- Eisele,j.c. (1999).arabic verbs in time: tense and aspect in cairene Arabic.wiesbaden: harrassowitz